

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# فیش منبر

امام جواد علیه السلام

☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆

شخصیت قرآنی امام جواد علیه السلام



تهیه در کانال فیش منبر و مرثیه در ایتا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

## شیوه های رفتاری و شخصیت قرآنی امام جواد(علیه السلام)

در این قسمت با استناد به آیات قرآن کریم، ضمن مطالعه سیره امام جواد (ع)، به برخی از شیوه های عملی حضرت امام جواد (ع) که منطبق بر شیوه های قرآنی است، اشاره خواهد شد.

### آراستگی ظاهر

یکی از لوازم رسیدن به تعالی روحی، توجه به سالم سازی جسم است. بر این اساس دین مبین اسلام بر نظافت و آراستگی به عنوان یکی از ضرو ریات حضور در اجتماع تأکید دارد. خداوند متعال در قرآن کریم از لباس به عنوان عاملی برای آراستگی اشاره دارد و میفرماید: «بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا» (الأعراف، ۷ / ۲۶)؛ «ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست.»

حضرت امام جواد (ع) علاوه بر صفای باطنی به آراستگی ظاهر برای حضور در اجتماع اهمیت میدادند. یکی از زمانهای بروز آراستگی، در نماز و برای اعلام ادب صحبت با پرو ردگار است که مورد توجه ایشان بوده و علی بن مهزیار درباره سنت رفتاری ایشان و آراستگی با لباس چنین می گوید: رأیت أبا جعفر الثانی (ع) یصلی الفریضة و غیرها فی جبه خز طارونی و کسانی جبه خز و ذکر آنه لبسها علی بدنه و صلی فیها و أمرنی بالصلاة فیها؛ امام محمد تقی (ع) را دیدم که نماز واجب و سنت و مستحب را در جبه خز طارونی -نوعی خز است، یا بنا بر بعضی از نسخه ها طاروی یا خز یمنی- به جا می آورد، و به من نیز جبه ای از خز بخشید و یادآوری

فرمود که آن را به تن خویش کرده و در آن نماز گزارده است، و به من هم فرمود که در آن نماز کنم [۴].

### توجه به مساکین :

یکی از اصلی ترین علل فشارها و تهدیدهای اجتماعی، نابرابری درآمد با توجه به توزیع ناعادلانه ثروت و پیدایش طبقات اجتماعی بر اساس درآمد و امکانات در اختیار آنان است که طبقه فقیر و ثروتمند دو سوی این طیف اقتصادی هستند. آثار گوناگون فقر در جامعه اسلامی و ظهور یأس و ناامیدی، فقرزدایی را به عنوان یکی از اولویتهای برنامه های اقتصادی جامعه اسلامی نمایان می سازد و وجود الگوی عملی برای دستگیری از مساکین، نویدی برای امید به زندگی برای فقرا و مساکین همیشه نگران حال و آینده خواهد بود؛ تا حاکمیت سرمایه نتواند ارزش والای انسان را لگدکوب نماید. توجه به وضعیت معیشت فقرا و مساکین، یکی از وظایفی است که حضرت امام جواد (ع) خود را مأمور به انجام آن می داند. اسماعیل بن عباس هاشمی می گوید: **جئت إلى أبي جعفر (ع) يوم عيد فشكوت إليه ضيق المعاش فرغ المصلي و أخذ من التراب سبيكة من ذهب فأعطانيها فخرجت بها إلى السوق فكان فيها ستة عشر مثقالا من ذهب؛ روز عیدی بود که خدمت امام جواد (ع) رسیدم و نزد آن حضرت در باره تنگی زندگی و معاش، نالیدم. حضرت سجاده اش را بلند کرد و از خاک، تکه طلایی بیرون آورد، و به من داد. آن را به بازار بردم به اندازه شانزده مثقال طلا بود [۵].**

و این گونه است که حضرت مصداق عملی این آیه شریفه از قرآن کریم است که میفرماید: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقره، ۲/۲۷۴)؛ «کسانی که اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، آنها را در نزد پرو ردگارشان پاداشی است در خور مقامشان، و [در آخرت] نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهی خواهند داشت.»

### تواضع و فروتنی :

طبق آموزه های قرآنی فروتنی و تواضع بندگان خالص خدا اینگونه معرفی می شود: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خِاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (الفرقان، ۲۵/۶۳)؛ «بندگان [خاص خداوند] رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه میروند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند [و سخنان نابخردانه گویند،] به آنها سلام میگویند [و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند].»

پس مؤمنین، هم نسبت به خدای تعالی تواضع و تذلل دارند و هم نسبت به مردم چنین هستند، چون تواضع آنان مصنوعی نیست، واقعا در اعماق دل، افتادگی و تواضع دارند [۶].

دستیابی به فرصتی تربیتی برای آموزش مکارم اخلاق همواره در سیره عملی معصومین (ع) مورد توجه بوده است. از این روست که گسترش تواضع و فروتنی با کمترین امکانات مادی ظاهری، جهت تنظیم مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و

اقتصادی جهان اسلام طبق آموزه های قرآن در سیره عملی و شخصیت قرآنی حضرت امام جواد (ع) نیز مشهود است.

خیران خادم گفت: در زمان حضرت جواد (ع) عازم حج شدم حال آن جناب را از خدمتکاری که نزد ایشان موقعیتی داشت پرسیدم و درخواست کردم مرا خدمت ایشان ببرد. وارد شدم حضرت جواد (ع) بالای یک سکوی بلند ایستاده بود که فرشی برای نشستن نداشت غلامی با جانمایی آمد و آن را پهن کرد امام (ع) نشست. همین که چشم من به آن جناب افتاد هیبت و مقامش چنان مرا فرا گرفت که ترسیدم خواستم بالای سکو بروم بی آن که پای بر روی پلکان گذارم امام اشاره کرد که پلکان آنجاست بالا رفته سلام کردم دست خود را به جانب من دراز کرد گرفتم و بوسیدم و بر روی صورت خود گذاشتم با دست خود مرا نشانند من دست آن جناب را رها نکردم از هیبتی که مرا گرفته بود امام نیز دست خود را نکشید همین که حالت وحشت از دلم رفت، دستم را رها کردم از حالم جویا شد [۷].

### علم و حکمت

دارایی علمی، فاکتوری تأثیرگذار بر پویایی، تعالی، قدرت و آراستگی حضرت امام جواد (ع) است. ایشان با آراسته شدن به زیور علم، آمادگی رو یاری با شرایط اجتماعی و توانمندی حل مسایل و مشکلات پیچیده جامعه را داراست و از این روست که علم حضرت در جهت بیان حقانیت اندیشه های شیعی قرار می گیرد.

حضرت امام جواد(ع) در هنگامه بروز شبهات و دشمنی برای تضعیف جایگاه رفیع شیعه با شمشیر علم خود، از دین محافظت می نماید و به گونه ای یادآور علم لدنی اوست که قرآن کریم به آن اشاره دارد « فَوَجَدُ عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَ الْآتِينَ أَهْرَاحِمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمْنَا أَهْرَاحِمَةً مِّنْ لَّدُنَّا عِلْمًا » «الکَهِف، ۱۸/۶۵؛ [در آن جا] بندهای از بندگان ما را یافتند که رحمت [و موهبت عظیمی] از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم.»

برای ارزیابی علمی حضرت امام جواد (ع) مأمون گفت: ای یحیی از ابو جعفر مسأله ای فقهی بپرس تا در یابی جایگاه او در فقه و علم دین چگونه است، یحیی گفت: ای ابو جعفر - خداوند بر صلاحیت بیفزاید - در باره فردی که در حال احرام، شکاری را بکشد نظرت چیست؟ حضرت (ع) فرمود: «آیا او، آن را در حرم کشته یا خارج از آن؟ دانای به مسأله و حکم بوده یا جاهل؟ از روی عمد کشته یا به خطا؟ بنده بوده یا آزاد؟ صغیر بوده یا کبیر؟ بار نخستش بوده یا قبلاً نیز انجام داده؟ صید از پرندگان بوده یا از دیگر جانوران؟ کوچک بوده یا بزرگ؟ بر کاری که کرده اصرار دارد یا نادم است و پشیمان؟

-یعنی: قصد توبه دارد یا نه - آیا در شب و در لانه اش آن را کشته یا به روز و آشکارا؟ آیا آن فرد در حال احرام حج بوده یا احرام عمره؟» [با شنیدن این توضیحات] یحیی به گونه‌های درمانده و زبون شد که آن امر بر هیچ یک از اهل مجلس پوشیده نماند، و همه از پاسخ امام (ع) غرق در حیرت شدند [۸].

قرآن مجید در چهار سوره به احسان به والدین اشاره نموده و بلافاصله آن را بعد از مسأله توحید قرار داده است. این هم ردیف بودن دو مسأله بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است. پدر و مادر از جایگاه والایی برخوردار هستند به گونه‌ای که قرآن کریم برای رعایت جایگاه، مقام و شأن ایشان دستورات تربیتی را ارائه نموده و میفرماید: **وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُم أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَ أَوْفًا وَلَا تَنْهَرْهُم إِيَّاهُ وَقُلْ لَهُم إِيَّاهُ قَوْلًا كَرِيمًا** (الاسراء ۱۷/۲۳؛ «و پرو ردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دو ی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو!»).

بنابراین یکی از این پیوندها در اجتماع کوچک خانواده و با پدر و مادر است. والدین و فرزندان یک سلسله حقوق و تکالیف متقابلی نسبت به هم دارند که اگر درست فهمیده و به آن عمل شود، فرد تضمینی برای سایر پیوندهای اجتماعی و در سطوح مختلف خواهد داشت. پیوند با خدا در صورتی اثر بخش است که پیوند خانوادگی در سایه رعایت حقوق و وظایف متقابل متجلی گردد. حضرت امام جواد (ع) بر اساس منش قرآنی همواره شیعیان را به رعایت حقوق والدین بر اساس تعالیم آموزه های قرآن کریم و از جمله احسان به آنها سفارش می نمود.

بکر بن صالح گوید: دامادم به امام جواد (ع) نوشت: پدرم مرد ناصبی بد اعتقادی است و از جانب وی با شدائد و زحماتی چند رو برو گشتم، در صورت صلاحدید درباره من دعا کنید، و بیان فرمائید که نظرتان در این باره چیست؟ آیا با وی به دشمنی و پرخاش برخیزم یا مدارا نمایم؟ حضرت در پاسخ نوشتند: «نوشته ات را فهمیدم و به آنچه در باره پدرت یاد کرده‌ای پی بردم، و ان شاء الله در باره تو دست از دعا نمی کشم، و مدارا برای تو بهتر از دشمنی و پرخاشگری است، و همراه با هر مشکلی آسانی است، صبر را پیشه ساز که عاقبت از آن پرهیزکاران است، خداوند تو را بر ولایت آن کس که ولایتش را پذیرفته‌ای ثابت بدارد، ما و شما در امانت خدائیم، همان خدائی که اماناتش ضایع و تباه نگردد.» بکر گوید: پس از آن خداوند دل پدر او را مطابق میل وی برگرداند به طوری که در هیچ چیز با او مخالفت نمی ورزید.

### صبر و بردباری

یکی از راههای رسیدن به قرب خداوند صبر در برابر اتفاقات دنیای پیرامون هر انسانی است که قرآن بر آراستگی انسان به زیور صبر در لحظات مواجهه با شرایط دشوار در زندگی تأکید فراوان دارد و از این روست که قرآن کریم صبر برای خداوند را به عنوان درمانی مؤثر برای انسان تجویز مینماید و چنین میفرماید: «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» (المدثر، ۷/۷۴)؛ «و برای پرو ردگارت شکیبایی کن.»

امام جواد (ع) نیز با شخصیت و هویت قرآنیاش در مقابل مصائب و گرفتاریهای روزگار، مانند: همسر ناشایست، ستمهای حاکمان مستبد، و ناملایمات چون شهادت پدر، شکیبا و بردبار بودند.

مردی از حضرت جواد (ع) تقاضا کرد که وی را سفارشی بنماید. امام (ع) فرمود: «آیا اگر موزه کنم، آن را پذیرفته و عمل می‌کنی؟» گفت: بلی. امام فرمود: «توسد الصبر و اعتنق الفقر و ارفض الشهوات و خالف الهوی و أعلم أنك لن تخلو من عین الله فانظر کیف تکنون؛ تکیه بر صبر کن و به فقر درآویز، و شهوات را رها کن و مخالفت با هوای نفس نما و بدان که تو از دیده خدا مخفی نیستی، دقت کن چگونه باید باشی [۹].»

حضرت امام جواد(ع) در نامه ای به یک مرد مصیبت زده که از مصیبت از دست دادن فرزند غمگین بود چنین نگاشت: «أما علمت أن الله عز وجل یختار من مال المؤمن و من ولده أنفسه لیأجره علی ذلک؛ آیا نمی‌دانی که خداوند عز وجل از مال مؤمن و فرزندان او میگیرد تا وی را بر این امر مأجور کند [۱۰].»

### صلابت در دینداری :

در حیات اجتماعی استواری و محکمی بر عقاید یکی از مهمترین مؤلفه های مانایی است. طمع دشمنان نسبت به شخصی که صلابت عقیده ندارد، تحریک می‌گردد و این عدم صلابت بسان مور یانهای هویت فرد را از درون و تهدیدات خارجی از بیرون او را تهدید میکنند. با این نگاه دین مبین اسلام بر سر اصول معامله و سازش نمیکند؛ پیامبر گرامی اسلام (ص) در ابلاغ وحی ذرهای کوتاه نیامده و اهل مداهنه

نبوده است و قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ \* وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ» «الکافرون، ۱۰۹ / ۳-۴؛ «و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید، و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می پرستم».

حضرت امام جواد (ع) نیز بسان شخصیت پیامبر گرامی اسلام (ص) که منبعث از آموزه های قرآنی است این صلابت در عقیده و دینداری را در حیات اجتماعی خود به منصفه ظهور گذارده است.

محمد بن ریان می گوید: مأمون خیلی سعی داشت که به نوعی حضرت جواد(ع) را به لهو و لعب و ادا دارد ولی امکان پذیر نبود شب عروسی دخترش صد کنیز از کنیزان ماهر و را در اختیار من گذاشت تا هر یک با جامی از جواهر که در دست داشتند به استقبال حضرت جواد (ع) بروند در حالی که حضرت در محلی که برای داماد ترتیب داده بودن، نشسته بود. ولی امام (ع) به هیچ کدام از آنها توجه نکرد.

مردی به نام مخارق عود نواز بود و ضرب می زد و می خواند، ریش بلندی داشت مأمون او را خواست. مخارق گفت اگر امری در مورد کارهای دنیا داری من از عهده آن برمی آیم -منظورش این است که از من کار آخرت ساخته نیست ولی باز یگری و نوازندگی هر چه بگوئی از من می آید- روبروی حضرت جواد (ع) نشست شروع کرد به خواندن چنان با صدای بلند آغاز نمود که تمام ساکنین خانه گرد او جمع شدند مشغول نواختن عود و خوانندگی شد ساعتی به کار خود سرگرم بود حضرت جواد (ع) به او اعتنائی نکرد، به جانب راست و چپ نیز توجه نکرد در این موقع سر برداشت، فرمود: «اتق الله یا ذا العرشون؛ از خدا بترس ای ریش دراز.»

یک دفعه مضراب و عود از دستش افتاد دیگر تا زنده بود نتوانست با آن دست کار ی انجام دهد. مأمون پرسید چه شد چنین شدی.

گفت همین که أبو جعفر حضرت جواد(ع) صدای خود را بلند کرد چنان وحشت مرا فرا گرفت که هرگز دیگر خوب نخواهم شد [۱۱]».

### عفو و گذشت

یکی از فضایل اخلاقی، عفو و گذشت از حقوق خود است؛ زیرا عفو از مصادیق احسان است. و در اخلاق بر احسان به دیگری تأکید بسیار شده و آموزه های قرآنی و روایی نیز بر این خصوصیت اخلاقی تشویق و ترغیب کرده است. بنابراین عفو پسندیده، عفوی است که فرد با قدرت بر انتقام، از خطای شخصی که به او ستم کرده بگذرد. چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم چنین میفرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (الأعراف، (۷/۱۹۹)؛ «به هر حال با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکیها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان» و با آنان ستیزه مکن.»

حضرت امام جواد (ع) با تأسی از روش و سلوک قرآنی، با عفو و گذشت در برخورد با دشمنان و مخالفان در زندگی موجب عزت و سربلندی خود و به تبع آن، مجد و عظمت و پیروزی دین مبین اسلام را فراهم نموده است. برای تبیین این وجه از شخصیت حضرت به گوشه‌های از سیره ایشان میپردازیم.

إِن المعتصم دعا جماعةً من و زرائه فقال اشهدوا لي على محمد بن علي بن موسى زورا و اكتبوا أنه أراد أن يخرج! ثم دعاه فقال: إنك أردت أن تخرج علي؟ فقال: «و الله ما فعلت شيئاً من ذلك.» قال: إن فلاناً و فلانا شهدوا عليك فأحضروا فقالوا: نعم، هذه الكتب أخذناها من بعض غلمانك. قال: و كان جالسا في بهو. فرفع أبو جعفر (ع) يده و قال: «اللهم إن كانوا كذبوا علي فخذهم.» قال: فنظرنا إلى ذلك البهو كيف يرجف و يذهب و يجيء و كلما قام واحد وقع! فقال المعتصم: يَا بن رسول الله إني نائب مما قلت، فادع ربك أن يسكنه. فقال: «اللهم سكنه إنك تعلم أنهم أعداؤك و أعدائي فسكن.»

معتصم گروهی از وزیران خود را خواست به آنها دستور داد به دروغ گواهی دهند که محمد بن علی بن موسی (ع) تصمیم به خروج و قیام دارد. بعد حضرت جواد (ع) را خواست و گفت تصمیم داری در دولت من قیام کنی؟ فرمود: «به خدا قسم چنین تصمیمی ندارم.» معتصم گفت: فلان کس و فلانی بر کار تو شهادت میدهند، آنها را حاضر کردند. گفتند صحیح است ما این نامه ها را از بعضی غلامان تو به دست آورده ایم. حضرت جواد در اطاق جلو بود دستهای خود را بلند کرده گفت: «خدایا اینها را بگیر اگر دروغ میگویند.» یک مرتبه دیدم اطاق جلو چنان به حرکت در آمد به گونه ای که میرود و میآید. هر کدام از ایشان که تصمیم به حرکت کردن میگیرد، به زمین میافتند. معتصم صدا زد يَا بن رسول الله من از حرف خود توبه میکنم از خدا بخواه که اطاق از حرکت بایستد. حضرت نیز دعا نمودند که: «خدایا اطاق را آرام فرما تو میدانی ایشان دشمن تو و من میباشند، و اطاق آرام گرفت [۱۲].»

## مسئولیت پذیری در کودکی :

منشأ ایجاد مسئولیت به طور ریشه ای و عمیق از باور حضور خداوند و اعتقاد به معاد و آخرت سرچشمه میگیرد. مسئولیتپذیری دارای ساحت‌های مختلفی است؛ و پذیرش مسئولیت الهی در سطح اجتماعی در سنین کودکی بر اساس آیات قرآنی در مورد انبیای الهی مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان نمونه خداوند متعال در قرآن کریم در مورد حضرت یحیی (ع) چنین میفرماید: «إِٰیٰ یَحٰیٰی ۙ خُذِ الْکِتٰبَ بِقُوَّةٍ ۗ وَ اٰتٰیْنٰ اِهٖ الْحٰکِمَ صَبِیًا (مریم، ۱۹/۱۲)؛ «ای یحیی! کتاب [خدا] را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت [و عقل کافی] در کودکی به او دادیم!».

و از این روست که مسئولیت پذیری حضرت امام جواد (ع) در سنین کودکی یکی از مصادیق مباحثات شیعه به شخصیت قرآنی و شباهت‌های ایشان به انبیای الهی همچون حضرت یحیی (ع) و حضرت عیسی (ع) است.

## دعوت به خیر جمعی

انجام هر نیکی از اقسام خیر به شمار میآید. افراد در جامعه انسانی و ایمانی باید در انجام کار نیک و پرهیز از رذایل و بدیها به یکدیگر کمک کنند.

دعوت به خیر جمعی راهکاری شایسته برای حفظ جامعه از تشتت و ایجاد وحدت اجتماعی و تبدیل آن به گفتمان عمومی جامعه است. از این روست که دعوت به خیر جمعی برای اخلاقی نمودن جامعه امری ضروری است و برای دستیابی به این مهم تعاون و همکاری برای انجام خوبیها از اصول مهم حاکم بر جامعه میباشد.

خداوند متعال در تعبیری این دعوت به انجام نیکیها را مدنظر داشته و میفرماید :  
«وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران، ۱۰۴/۳)؛ «باید از میان شما،  
جمعی دعوت به نیکی کنند.»

بنابراین این دعوت به انجام خیر در سیره و شخصیت حضرت امام جواد (ع) و در  
حمایت از مردم و رفع گرفتاریهای آنان نمایان است.

احمد بن زکریا صیدلانی از شخصی اهل سیستان که از بنی حنیفه به شمار میرفت،  
نقل کرد که آن مرد گفت من با حضرت جواد(ع) در آن سالی که به حج رفته بود،  
همسفر بودم. اول خلافت معتصم سر سفره نشسته بودیم گروهی نیز از مأمورین  
سلطان هم بودند. عرض کردم آقا فدایت شوم فرماندار شهر ما ارادتمند به شما  
خاندان است، من در دفتر مالیاتی او مقداری مقروضم اگر صلاح بدانی نامه‌ای  
بنویسی که به من کمک کند. فرمود: «او را نمیشناسم.» عرض کردم همان طوری  
که توضیح دادم او از ارادتمندان به شما خاندان است نامه شما برای من سودمند  
است. حضرت(ع) کاغذی به دست گرفته چنین نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم آو  
ردنده نامه من نقل کرد که شما دارای مذهبی پسندیده هستی، بدان آنقدر از این  
مأموریت برای تو بهره خواهد بود که به مردم نیکی کنی، نسبت به برادران خود  
نیکوکار باش، بدان که خدای عزیز از تو باز خواست خواهد کرد حتی از یک ذره  
کوچک و دانه سپنجی.»

راوی می گوید وقتی وارد سیستان شدم حسین بن عبد الله نیشابوری والی و  
فرماندار قبلا از جریان نامه اطلاع حاصل کرده بود دو فرسخ به استقبال من آمد

نامه را به او دادم بوسید و روی چشم گذاشت و گفت چه حاجت داری. گفتم یک مالیاتی دارم که در دفتر تو مبلغ آن یادداشت شده دستور داد آن را از بین ببرند و گفت تا وقتی من فرماندار باشم مالیات از تو نخواهم گرفت بعد پرسید زن و فرزند چه داری، تعداد آنها را گفتم، مقداری که مخارج من و آنها را تأمین می نمود به اضافه مبالغ دیگری به من بخشید تا وقتی او زنده بود از من خراج نگرفت و از لطف و عنایت و بخشش او بی بهره نبودم، تا از دنیا رفت [۱۳].

### قرین قرآن :

خداوند متعال ضمن معرفی شخصیت و هویت قرآن و توصیف آن به مبارک بودن چنین می فرماید:

«وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» (الأنبياء، ۲۱/۵۰)؛ «و این [قرآن] ذکر مبارکی است که [بر شما] نازل کردیم؛ آیا شما آن را انکار می کنید؟».

قرآن ذکری است ثابت و دائم و کثیر البرکات، هم مؤمن از آن بهره مند می شود و هم آسایش کافر را در جامعه بشری تأمین نموده است، و خلاصه همه اهل دنیا از آن منتفع میگردند، چه آن را قبول داشته باشند و چه نداشته باشند چه به حقانیت آن اقرار داشته باشند و چه منکر آن باشند [۱۴].

حضرت امام جواد (ع) نیز بسان قرآن کریم که برای همه انسانها پر برکت است، مولودی پر برکت در عالم تشیع معرفی شده است. از ابی یحیی صنعانی روایت شده است که: کنت عند أبي الحسن (ع) فجي بابنه أبي جعفر (ع) و هو صغير فقال:

«هذا المولود الذی لم یولد مولوداً عظماً علی شیعتنا برکةً منه»؛ خدمت حضرت رضا (ع) بودم پس فرزندش اَبی جعفر (ع) را که کودکی خردسال بود نزد او آوردند، فرمود: «این است آن مولودی که پربرکتر از او برای شیعیان ما فرزندی زائیده نشده است» [۱۵].»

### شاگرد پروری.

یمانایی و گسترش دین مبین اسلام در گرو توجه و اهتمام به روشهای گوناگون است. گاهی این موضوع با جهاد و گاهی با فراگیری دین اتفاق میافتد به گونه ای که در قرآن کریم به این مهم اشاره شده است و خداوند متعال در این باره میفرماید وَ مَ اِ کَ اِنَ الْمُؤْمِنُونَ لَیَنْفِرُوا کَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لَیُنذِرُوا قَوْمَهُمْ اِذِ اِرْجَعُوا اِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ (التوبة، ۱۲۲/۹)؛ «شایسته نیست مؤمنان همگی [به سوی میدان جهاد] کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند؟ [وطایفه ای در مدینه بماند]، تا در دین [و معارف و احکام اسلام] آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند، و خودداری کنند!».

بنابراین یکی از مهمترین اقدامات فرهنگی حضرت امام جواد (ع) در راستای توجه به مقتضیات زمان و با تمسک به آموزه های هدایتگر قرآن کریم این بود که به تربیت شاگردان و یارانی که در منابع نام ۱۳ نفر از آنان مانند: أبوهاشم داود بن قاسم جعفری، نوح بن شعیب بغدادی، علی بن مهزیار اهوازی، ریان بن شیب و... آمده است، همت گمارده است.

## نتیجه گیری

با توجه به این که ائمه معصومین(ع) حجت خدای تعالی و اسوه و سرمشق عملی مؤمنین میباشند و قرآن کریم نیز به عنوان بزرگترین پشتوانه ایشان است لذا آشنایی و عمل به سیره اهل بیت عصمت و طهارت (ع) تأثیر به سزایی بر شخصیت و رفتار انسانها دارد. میان سیره عملی امام جواد (ع) به عنوان اسوه و الگوی قرآنی، با مکتب قرآن کریم، پیوستگی، انطباق و ارتباط عمیق و ریشه داری وجود دارد و بر اساس روایت پیامبر اسلام (ص) که فرمودند: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي أهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبداً و أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض»؛ دین قیم اسلام مبتنی بر کتاب و سنت است که منشاء علوم و معارف اسلامی، عقاید و خلاقیات، عرفان و تفسیر و کلام و... می باشند. بنابراین، این دو ثقل گرانبه، تا قیامت توأم، تفرق ناپذیر، عروة الوثقیای ایمان و هدایت و ایمنی بخش از کفر و ضلالت اند.

از این رو پس از قرآن کریم، هیچ چیز در میان مسلمانان همچون سنت نبوی و سیره اهل بیت نبوت(ع) مورد اهتمام و عنایت نبوده است؛ چرا که اخبار و احادیث صادر شده از این معادن علم و هبّی و حکمت و حیانی، ملاک و مرجع عقیده و عمل مسلمانان است. لذا راه سعادت و کامروایی معنوی در پیروی از قرآن و عترت منحصر بوده و گام زدن در راههای دیگر، گمراهی و یا به بیراهه رفتن است و تمسک به این دو منبع بیکران، وظیفه هر مسلمان است و نخستین گام برای این تمسک، آگاهی از محتوای این دو گنجینه گرانبها می باشد

منبع : بینات ، پاییز ۱۳۹۵ ، شماره ۹۱ ، حسینی میر صفی، معصومه السادات  
مشخصات نویسنده : عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شرق  
منبع: وبگاه دانشنامه حوزه (حوزه نت).

پی نوشت ها

[۱] در روایتی گفته شده در دهم رجب و یا نیمه ماه رجب. نگاه کنید به تاج  
الموالید / ۱۲۸ ؛ إعلام الوری / ، ۳۴۴ مناقب ابن شهر آشوب، ۳۷۹/۴؛ كشف الغمة،  
۳۴۳/۲؛ به نقل از دلائل الإمامة، محمد بن جریر طبری ۳۸۳.

[۲] مناقب ابن شهر آشوب، ۳۷۹/۴؛ والذي في سائر المصادر أنه (ع) استشهد في  
أول ملك المعتصم، و هو الموافق للصواب حيث إن ملك المعتصم امتد بين - ۲۷۷ -  
۵۲۱ هـ - انظر تاج المواليد / ۱۲۸ ؛ إعلام الوری / ۳۴۴؛ كشف الغمة، ۳۶۹/ ۲.

[۳] تاريخ الأئمة / ۳۰؛ الهداية الكبرى / ۲۹۵؛ تاج المواليد / ۱۲۷؛ مناقب ابن شهر  
آشوب، ۳۷۹/۴؛ إعلام الوری / ۳۴۵؛ كشف الغمة، ۳۴۳/۲؛ الفصول المهمة / ۲۶۵.

[۴] من لا يحضره الفقيه، ۱/ ۲۶۲ / ح ۸۰۷.

[۵] الخرائج و الجرائح، ۱/ ۳۸۳، بحار الأنوار، ۴۹/ ۵۰، كشف الغمة في معرفة الأ

ئمة، ۳۶۸/۲

[٦] الميزان في تفسير القرآن، ٢٣٩/١٥.

[٧] بحار الأنوار، ١٠٦/٥٠.

[٨] تحف العقول عن آل الرسول/٤٥٢.

[٩] همام/٤٤٥.

[١٠] الكافي، ٢٦٣/٣؛ مشكاة الأنوار/٢٨٠.

[١١] بحار الأنوار، ٥٠/٦١.

[١٢] همام / ٤٥.

[١٣] همام / ٨٦.

[١٤] الميزان، ٢٩٦/ ١٤.

[١٥] الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ٢٧٩/٢؛ الكافي، ٣٢١/١؛ إعلام

الورى بأعلام الهدى/٣٤٧؛ روضة الواعظين ١ / ٣٢٧؛ مسند الإمام الرضا(ع)،

٢١٠/١.